

بررسی عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه به نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده

تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۸

تاریخ پذیرش: ۹۱/۵/۲۱

مسعود شریعتی^۱، محمدکاظم مهاجری^۲، ابوالفضل ملکی^۳

چکیده

نزاع دسته‌جمعی از جمله آسیب‌های اجتماعی است که در صورت بروز، آسیب‌های مادی و معنوی فراوانی را برای یک جامعه در پی دارد. هدف این مقاله بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه در بروز نزاع‌های دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده استان زنجان است. این مطالعه از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی از نوع پیمایشی است.

جامعه آماری این مطالعه را مردان بالای ۱۸ سال ساکن در شهرستان خدابنده تشکیل می‌دهند که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهند که بین متغیرهای اختلافات ملکی، خانوادگی، عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی و عوامل فرهنگی - تاریخی و گرایش به نزاع دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده رابطه معناداری وجود دارد که بر مبنای تبیین صورت گرفته از طریق رگرسیون و همچنین تحلیل مسیر، بیشترین تأثیر را به ترتیب متغیرهای اختلاف ملکی و خانوادگی و عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی بر تمایل بالقوه به نزاع‌های دسته‌جمعی داشته است.

کلیدواژه‌ها

نزاع دسته‌جمعی / اختلاف ملکی و خانوادگی / عوامل فرهنگی و تاریخی / آسیب اجتماعی / عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی

۲. کارشناس ارشد

۳. کارشناس ارشد انتظامی

مقدمه و بیان مسئله

نزاع دسته‌جمعی از جمله آسیب‌های اجتماعی به‌شمار می‌رود و به پدیده‌ها و وقایعی اطلاق می‌شود که هر جامعه مفروض در زمان معین با رجوع به مجموعه ارزش‌های خود آن‌ها را غیرمنطقی، نادرست و مخل نظم اجتماعی می‌پندارد و در نهایت با بار منفی همراه است.

در تعریف نزاع جمعی آمده است که: نزاع جمعی درگیری‌ای است که حداقل سه نفر در آن شرکت دارند (سروستانی، ۱۳۸۵: ۱۱) و معمولاً با انگیزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی به‌طور محدود و گسترده و به صورت مسلحانه یا غیرمسلحانه بین عده‌ای از افراد به‌وقوع می‌پیوندد و با خسارت مالی و معنوی همراه است (رضائیان، ۱۳۸۹). بنابراین، نزاع دسته‌جمعی متاثر از نوع معیشت و مکان زندگی (روستا یا شهر) و طبقه اجتماعی افراد، میزان حاکمیت قانون و اعتماد به ساختارهای حاکمیتی در حل این مسائل، تعریف نقش و شخصیت فرد، خانواده، عشیره و قبیله و میزان وابستگی افراد به ساختار اجتماعی و سنتی، ساختار قدرت اجتماعی و فرهنگ و هویت تاریخی و اجتماعی، ارزش‌ها و اعتقاداتها و ... است.

شهرستان خدابنده با تعداد نزدیک به ۲۶۰ روستا و قصبه گاه‌گاهی شاهد بروز نزاع دسته‌جمعی می‌باشد. برابر آمار در سال ۱۳۸۵ تعداد ۲۷۳ فقره نزاع گزارش شده در سطح شهرستان رخ داده است. در سال ۱۳۸۶ این تعداد به ۳۳۰ فقره افزایش یافته است که نوعاً این‌گونه درگیری‌ها با زخمی یا کشته‌شدن افراد به پایان می‌رسد که ضمن ایجاد خسارت‌های مادی باعث ایجاد گسست اجتماعی و عقده‌ها قومی و خانوادگی می‌شود و با توجه به بافت روستایی می‌تواند گاهی مانند آتش زیر خاکستر زبانه بکشد و دامان حیات آرام اجتماع را بسوزاند و موجب تخم نفرت و خشم در دل‌ها شود.

یکی از عوامل مهم در بروز برخورد و نزاع دسته‌جمعی، تنوع ریشه‌های قومی و عصبیت کور نسبت به ریشه طایفه‌ای و عشیره‌ای است که در جوامع روستایی نسبت به جوامع شهری بروز و نمود زیادی دارد.

عامل مهم دیگری که می‌تواند در نزاع تأثیر داشته باشد، تمایلات مادی و حفظ قدرت مالی از طریق در اختیار داشتن املاک و زمین‌های مرغوب روستاست. در اکثر روستاها حدود و ثغور دقیق املاک مشخص نبوده و ازدیاد و تکثیر نسل‌ها بین طایفه‌های مختلف و همچنین افراد یک خانواده برای تصاحب زمین‌های بیشتر موجب اختلافات شدیدی می‌شود.

در این بین، میزان اعتماد و اطمینان به دستگاه قضایی و انتظامی به عنوان یک عامل مهم می‌تواند در کاهش رفتار پرخاش‌گرایانه تأثیر فراوانی داشته باشد و این عامل با میزان نزدیکی و دوری به مراکز انتظامی و نوع احکام صادره در دادگاه در پیوند است. بنابراین مسئله اصلی این مقاله این است که تمایلات بالقوه به چه میزان در بروز و ظهور نزاع‌های دسته‌جمعی تأثیر دارند؛

هدف تحقیق

شناخت عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه به نزاع دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده.

پیشینه تحقیق

پیشینه تحقیقات در خصوص منازعات جمعی بسیار گسترده است که در هر یک از این تحقیقات عوامل چندی، موجب این منازعات شمرده شده‌اند. در تحقیقی موردی و در منطقه‌ای خاص با عنوان «عوامل منازعه در شهرستان بویراحمد» که توسط درستی در سال ۱۳۸۸ انجام شده است، ۱۷۲ نفر از افرادی که حداقل یک‌بار در منازعات دسته‌جمعی شرکت داشته‌اند مورد بررسی قرار گرفته‌اند؛ نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که ریشه منازعات جمعی را باید در تعصبات قومی و قبیله‌ای، انتقام‌جویی و اختلافات ملکی جست‌وجو کرد.

خراطها و جاوید (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «بررسی علل و عوامل جامعه‌شناختی بروز نزاع و درگیری و پیامدهای آن در شهر تهران» نشان می‌دهند که عواملی نظیر وجود آسیب‌ها و مسائل اجتماعی، ضعف در کنترل و نظارت اجتماعی، کژکارکردی

برخی نهادهای سازمان‌ها، عدم حاکمیت قانون، پراکندگی و فراوانی کانون‌های نزاع و درگیری از عوامل مهم بروز نزاع و درگیری در شهر تهران هستند.

در پژوهشی دیگر، چلبی و عبداللهی (۱۳۸۲) تحقیقی را در توصیف و تبیین جامعه‌شناختی نزاع‌های جمعی در استان لرستان انجام داده‌اند که نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که میزان انسجام عام، که از ویژگی‌های مهم اجتماع عام به شمار می‌آید، در سطح استان لرستان نسبتاً ضعیف بوده و همین امر یکی از علل مهم نزاع‌های جمعی بوده است.

کلواری و بحرینی (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «مطالعه رابطه عوامل فرهنگی- اجتماعی با نزاع‌های دسته‌جمعی»، دریافتند که متغیرهای پرخاشگری، قوم‌گرایی، بی‌هنجاری و محرومیت نسبی دارای رابطه معناداری مثبت و متغیرهای کنترل اجتماعی، انسجام اجتماعی، پایگاه اجتماعی اقتصادی، سن، جنسیت و تحصیلات دارای رابطه معنادار معکوس و متغیرهای تاهل و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی فاقد رابطه معنادار با گرایش به نزاع‌های جمعی، قومی و قبیله‌ای بوده‌اند، و گرایش به نزاع در بین مردان و زنان متفاوت بوده، و مردان گرایش بیشتری به نزاع جمعی داشته‌اند.

همچنین میرفردی و همکاران (۱۳۹۰) با بررسی میزان گرایش به نزاع جمعی در میان مردان ۱۵ تا ۶۵ سال شهرستان بویراحمد و عوامل مؤثر بر آن، نشان داده‌اند که متغیر اعتماد اجتماعی، تأثیری بر گرایش به نزاع جمعی نداشته است، اما خویشاوندگرایی، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و سن، تأثیر معناداری بر گرایش به نزاع جمعی داشته است.

ناییبی و جسور خواجه (۱۳۸۸) نیز طی پژوهشی در خصوص ریشه‌یابی نزاع‌های دسته‌جمعی در روستاهای کوچ و افشرد آذربایجان شرقی، که از منظر جامعه‌شناختی و نقش نیروهای اجتماعی، این پدیده را مورد بررسی قرار داده‌اند، به این نتیجه مهم دست یافتند که در جایی که گروه‌های متمایز اجتماعی وجود دارد، مبارزه برای کسب قدرت و منابع کمیاب (آب و زمین) نقش تعیین‌کننده دارند، و در آنجا که مبتنی بر

نظام خویشاوندی نسبتاً یکپارچه است و گروه‌بندی‌های متمایز اجتماعی شکل نگرفته است، نزاع دسته‌جمعی به وقوع نمی‌پیوندد.

تحقیقات خارجی که در این زمینه انجام شده است، علاوه بر آن که تاییدی بر برخی از عوامل یاد شده اند، در عین حال ابعاد دیگری از این پدیده را نیز بیان می‌کنند.

رنگام و ویلسون (۲۰۰۴: ۲۳۳) طی تحقیقات خود نتایج مطالعات خود را چنین بیان می‌کنند: در درگیری‌های دسته‌جمعی، منافع شخصی یا گروهی برای منزلت، جایگاه، و اعتبار اجتماعی، دفاع از همبستگی و انسجام و اتحاد گروهی و قومی - قبیله‌ای، فشارهای اقتصادی و شخصی، ساختار خانوادگی، سطح و میزان فقر و تهیدستی از جمله عوامل دخیل به شمار می‌آیند و اغلب مردان حضور چشمگیرتری در این نزاع‌ها دارند.

از منظر اینان، مفاهیمی که جامعه‌شناسان در توجیه نزاع‌های دسته‌جمعی در گروه جوانان به کار می‌برند تا حدی شبیه به مفاهیمی است که انسان‌شناسان و زیست‌شناسان در مورد شامپانزه به کار می‌برند. بر اساس نظر آن‌ها در هر دو مورد بیشترین انگیزه، کسب جایگاه شخصی و منزلت اجتماعی فردی است که این کار به درگیری فیزیکی منجر می‌شود. بعد فرهنگی و تاریخی نیز از جمله عوامل تأثیرگذار بر این درگیری‌ها است.

آرچر (۱۹۸۸) در پژوهشی با عنوان «زیست‌شناسی رفتاری خشونت و ستیزه‌جویی» به مجموعه شواهد و مدارکی استناد می‌کند که بر اساس آن، رفتار خشونت‌آمیز - همچون سایر مقولات رفتاری - مبتنی است بر تأثیر متقابل و برهم‌کنش عوامل درونی و عوامل بیرونی نظیر شرایط اجتماعی و محیطی - بوم‌شناختی. برای مثال، هورمون‌هایی نظیر تستسترون معمولاً با رفتار خشونت‌آمیز، از جمله رقابت برای شریک جنسی در پیوندند، ولی سطح و میزان هورمون فرد بر حسب عوامل درونی و بیرونی متغیر است.

گلداشتاین و همکاران، در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که درگیری‌های میان‌گروهی یا میان‌قبیله‌ای ممکن است با اهداف مختلفی انجام شود: برخی از این

درگیری‌ها برای تحقیر، توهین و بی‌حرمتی به طرف مقابل، برخی برای افزایش شهرت و اعتبار طرف پیروز، گاهی برای به‌دست‌آوردن دوبارهٔ املاک و زمین‌های از دست‌رفته و گاهی نیز به منظور تصاحب املاک و زمین‌های جدید و به‌اصطلاح «قلمروداری»^۱ صورت می‌گیرد.

لین (۲۰۰۱) در پژوهشی راجع به «رفتارهای خشونت‌آمیز در بین جوانان اسلو»، وقوع خشونت و درگیری را حاصل اقدامی پیشدستی‌جویانه و پیشگیرانه به جهت کاستن از قدرت طرف مقابل (به عنوان مثال، کشتن یک از اعضای طرف نزاع) ارزیابی می‌کند.

میلر و همکاران (۱۹۶۸) نیز با تحقیق و بررسی «نقش فرهنگ طبقات پائین‌دست جامعه در ایجاد محیط بزهکاری»، ریشهٔ اغلب درگیری‌ها را در «به‌خطر افتادن و تهدید آبرو و حیثیت گروه» دانسته‌اند و طبق گزارش‌های شورت و استرودبک (۱۹۶۸: ۲۴۷) «هدف اصلی از درگیری و نزاع اثبات خود است و نه گرفتن و به‌دست آوردن چیزی».

«رابطهٔ غرور تهدیدشده با خشونت و ستیزه‌جویی» حاصل کار پژوهشی بومیستر و همکاران، از سال ۱۹۹۶ نیز گویای آن است که «خشونت و ستیزه‌جویی عموماً زمانی که شخص آبرو، ناموس یا جاه و منزلت طرف درگیر را زیر سؤال می‌برد، شدت می‌یابد، ولی ممکن است با نقض یا زیرپا گذاشتن اصول و مبادی اخلاقی و رسوم مبتنی بر عرف عام یا اقدامی افتراآمیز از سوی یکی از طرفین نزاع روی دهد».

در تحقیقی که ویگیل در سال ۱۹۸۸ انجام داده است، یکی از موارد درگیری‌ها و خشونت‌های جمعی را تهدیدشدن امنیت گروه یا قبیله می‌داند. وی از قول یک جوان می‌گوید: «ما طایفه کوچک خود را تحت کنترل کامل داریم؛ ما همه با هم برادریم و هیچکس حق تعدی یا تجاوز به طایفه ما را ندارد؛ ما به طایفه خود افتخار می‌کنیم و مغرور به آنیم و چنانچه هر کسی بخواهد برای ما ایجاد مزاحمت کند، با این کار خود موجب هراس اعضای قبیله ما می‌شود که این کار برای ما تهدید به حساب می‌آید و تنها واکنش ما به این اقدام، خشونت و درگیری است.»

1. Territoriality

سن اشخاص، هدف آنها از نزاع و درگیری و چگونگی وقوع آن نیز با هم تفاوت دارد: بر طبق گزارش ویگیل، اعضای مسن تر، به احتمال زیاد برای به‌دست‌آوردن جایگاه و اعتبار به راه‌های دیگری همچون ارتکاب جنایت، متوسل می‌شوند (ویگیل، ۱۹۸۸: ۱۳۱)؛ و طبق استنادات اسپیرگل و همکاران، (۱۹۸۹) خشونت اعضای جوان‌تر گروه یا طایفه، نسبت به خشونت و درگیری‌های جوانان سن و سال‌دارتر کمتر منجر به مرگ اشخاص منجر می‌شود.

در پژوهشی که ربکا تونگ در سال ۲۰۰۹ انجام داده و نقش نهادها و سازمان‌ها را در صلح و آرامش قومی مورد بررسی قرار داده است، سه نظریه یا سه رویکرد را در خصوص خشونت‌های قومی مطرح می‌کند: خاستگاه‌گرایی قومی^۱، ساختارگرایی^۲ و ابزارگرایی^۳.

در نظریه «خاستگاه‌گرایی قومی» فرضیه‌ها راجع به ویژگی‌های قومیت‌گرایی، و راجع به طبیعت انسان‌ها مطرح می‌شود. این نظریه بر این ادعاست که خود قومیت‌گرایی علت خشونت‌های قومی است و لذا طوایفی که ناهمگون‌ترند، احتمال بیشتری دارد که رفتارهای خشونت‌آمیز داشته باشند (تونگ، ۲۰۰۹: ۷۳ به نقل از ونهنن، ۱۹۹۹: ۵۵-۷۳).

بر اساس نظریه «ساختارگرایی»، قدرت نهادهای سیاسی به بهترین نحو، وقوع یا فقدان خشونت را تبیین می‌کند. این تنها رویکردی است که پاسخ‌گوی این سؤال است که صلح و آرامش ریشه در چه چیزی دارد؛ و اینکه صلح و آرامش تنها به معنای نبود خشونت و درگیری نیست (تونگ، ۲۰۰۹: ۷۳ به نقل از اسمیت، ۲۰۰۰: ۲۱-۳۹).

نظریه «ابزارگرایی» به‌گونه‌ای مجاب‌کننده، تبیین‌گر آن است که خشونت‌های قومی ریشه در رقابت‌های اقتصادی و سیاسی دارند. بر اساس این نظریه و در پاسخ به طرفداران فرضیه «ساختارگرا»، نهادها و سازمان‌های پر قدرت و ذی‌نفوذ، اعتماد و ائتلاف مدنی را ایجاد می‌کنند که در نتیجه آن، شهروندان به این باور می‌رسند که انتخابات و حق رأی بسیار قدرتمندتر از گلوله و اسلحه، یا در بسیاری از موارد همچون

1. Primordialism
2. Constructivism
3. Instrumentalism

افریقا، قدرتمندتر از قداره عمل می‌کند (تونگ، ۲۰۰۹: ۷۳ به نقل از ابوبکار، ۲۰۰۱: ۳۱-۳۶).

در نهایت، رومل در پژوهشی که طی آن ارتباط بین خشونت جمعی و تکثرگرایی اجتماعی را مورد بررسی قرار داده است، خشونت جمعی را در کشورهای مختلف منوط به ویژگی‌ها و شاخص‌های مختلفی می‌داند از جمله: توسعه‌یافتگی بالقوه و بالفعل، آزادی، ثبات، وسعت و منطقه فرهنگی. در ارتباط با تکثرگرایی و خشونت، ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورها به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم تأثیرگذارند (رومل، ۱۹۹۷: ۱۶۹ به نقل از اسمیت، ۱۹۹۱).

کاهش باور عمومی نسبت به مجریان برقراری و حفظ امنیت: کاهش باور عمومی با ایجاد تصور ذهنی منفی در افراد جامعه به عنوان عامل احساس ناامنی، مطرح می‌گردد به‌گونه‌ای که مردم اقدامات مثبت در جهت برقراری و حفظ نظم را باور نمی‌کنند، و این خود، زمینه‌ساز بروز یک بیماری فرهنگی در جامعه می‌شود (عربی، ۱۳۸۴: ۱۹۵-۱۹۶).

الیاسی در یک بررسی علمی نشان داده است که فراهم‌بودن شرایط ابراز وجود اعتماد به نهادهای امنیتی و شیوه اندک آسیب‌های اجتماعی در جامعه از جمله مهم‌ترین عواملی هستند که موجب شکل‌گیری احساس امنیت درونی شهروندان می‌شوند. جانس (۲۰۰۴) نیز شواهدی ارائه داده است که نشان می‌دهد عوامل نظیر شیوع فزاینده جرایم و کجروی‌های اجتماعی و بی‌هنجاری‌های اجتماعی (آنومی) کاهش اقتدار پلیس و ضعف عملکرد پلیس موجب کاهش میزان احساس امنیت شهروندان می‌شود.

مولن (۲۰۰۴) نیز نشان داده است که عملکرد موفقیت‌آمیز پلیس در مقابله با کجروی‌ها و آسیب‌های اجتماعی، موجب افزایش احساس ایمنی شهروندان و این امر نیز به نوبه خود، موجب بهبود نگرش‌های آنان نسبت به پلیس می‌شود و نگرش مطلوب نیز بر منزلت اجتماعی پلیس می‌افزاید. پلیس برخوردار از منزلت اجتماعی نیز می‌کوشد بیش از پیش بر تراز عملکرد اجتماعی بیافزاید تا مانع از کاهش شأن و مقام و جایگاه اجتماعی خویش شود (الیاسی، ۱۳۸۶).

چارچوب نظری

نظریه‌های مربوط به کشمکش و نزاع عموماً به نظریه‌های اندیشمندانی چون وبر، مارکس، دورکیم و زیمل بر می‌گردد. بر اساس این نظریه‌ها، دلایلی وجود دارند مبنی بر اینکه طرفین درگیر کشمکش ممکن است اهداف ناسازگار داشته باشند که از جمله آن‌ها می‌توان به طور خلاصه به موارد زیر اشاره کرد:

۱- منابع مورد منازعه؛ ۲- نقش‌های ناسازگار و ۳- ارزش‌های ناسازگار.

۱- **منابع مورد منازعه:** منابع، زمانی مورد منازعه‌اند که یکی از طرفین خواهان منابعی است که دیگری در اختیار دارد یا زمانی که هر دو طرف متخاصم خواهان منابع اختصاص‌نیافته یکسانی هستند. این منابع می‌توانند پول، زمین، فرزندان، خیانت و سیاست باشند، ولی در کل می‌توان منابع مورد منازعه را در سه مقوله گنجانند: ثروت، قدرت و منزلت (وبر، ۱۹۲۲ و ۱۹۴۷).

در مقوله ثروت، زمین اصلی‌ترین منبع مورد منازعه به‌شمار می‌آید. در مقوله قدرت، نابرابری قدرت و استیلای یکی بر دیگری و کشمکش برای رهایی از این استیلا مطرح است و در مقوله منزلت، آنچه کشمکش و منازعه را به دنبال خود دارد چیزی نیست جز کسب شهرت و احترام. منزلت پیوند تنگاتنگی با قدرت دارد؛ کسی که دارای قدرت است اغلب از احترام بالایی برخوردار است و کسی که از احترام بالایی برخوردار است اغلب می‌تواند کسب قدرت کند.

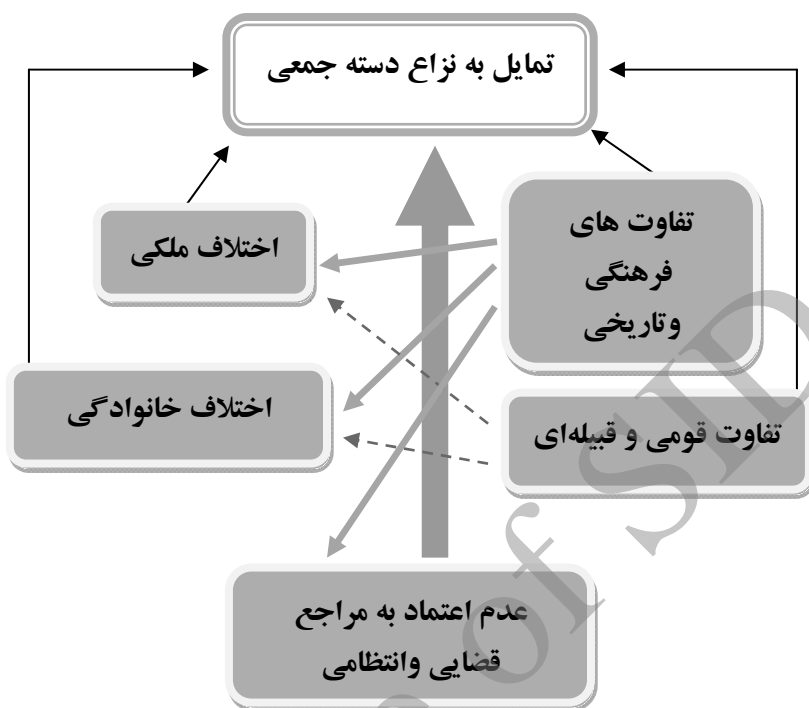
۲- **نقش‌های ناسازگار:** طبق نظر مارکس کشمکش‌های اجتماعی وجود دارد؛ زیرا کسانی هستند که خود مالک تولید هستند و کسانی که برای چنین صاحبانی کار می‌کنند (مارکس و انگلس، ۱۹۴۷). اهداف و منافع این دو گروه ناسازگارند و لذا آن‌ها به ناچار در تقابل با یکدیگر قرار دارند. در نتیجه، مارکس ریشه کشمکش‌های اجتماعی را در مالکیت خصوصی می‌دید اما در مقابل دارندورف ریشه این کشمکش اجتماعی را در تفاوت‌های طبقاتی می‌داند.

۳- **ارزش‌های ناسازگار:** گروه‌هایی که از یکدیگر جدا هستند، تمایل به توسعه فرهنگ‌های مختلف دارند که ممکن است از ارزش‌های متفاوتی دفاع کنند، یعنی

معیارهایی برای درستی و خوبی که باعث قوام یک فرهنگ و جامعه می‌شود. جدایی، جدایی افراد، جدایی گروه‌ها، هویت شخصی و گروه‌ها، مفهوم ارزش در جوامع مختلف، و تمایز نقش، ریشه‌های اصلی بروز ارزش‌های ناسازگار هستند (پارتوس و ور، ۱۳۹۱: ۴۹-۷۵).

فرضیات تحقیق

- ۱- بین اختلافات ملکی و گرایش به نزاع دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده رابطه وجود دارد.
- ۲- بین اختلافات خانوادگی و گرایش به نزاع دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده رابطه وجود دارد.
- ۳- بین عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی و گرایش به نزاع دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده رابطه وجود دارد.
- ۴- بین تفاوت‌های قومی و قبیله‌ای و گرایش به نزاع دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده رابطه وجود دارد.
- ۵- بین عوامل فرهنگی و تاریخی و گرایش به نزاع دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده رابطه وجود دارد.



نمودار شماره ۱: مدل مفهومی تحقیق

روش شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری این تحقیق را کلیه مردان بالای ۱۸ سال ساکن در شهرستان خدابنده تشکیل می دهند که بر اساس آخرین سرشماری در سال ۱۳۸۵ در حدود ۴۵۰۰۰ نفر می باشند.

حجم نمونه بر مبنای فرمول تعیین حجم نمونه تعداد ۱۲۶ نفر تعیین گردید، لیکن در جریان تحقیق، تعداد ۱۴۰ پرسشنامه صحیح و قابل بهره‌برداری در اختیار محققان قرار گرفته است.

روش نمونه‌گیری در این تحقیق تصادفی ساده می‌باشد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق پرسش‌نامه محقق ساخته است که بر اساس طیف لیکرت تنظیم شده است.

روایی و پایایی برای ارزیابی پایایی پرسش‌نامه ضمن تأیید روایی صوری آن توسط کارشناسان، ابتدا به تعداد ۳۰ عدد از پرسش‌نامه‌ها برای بررسی پایایی آن، بین جامعه آماری توزیع گردید، سپس با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آماره آلفای کرونباخ نتایج آن در جدول (۱) به طور مبسوط آورده شد با توجه به اینکه آلفای به‌دست‌آمده بیشتر از ۰٫۸ دهم می‌باشد، پرسش‌نامه از لحاظ تعمیم‌پذیری درونی و بیرونی مناسب است.

جدول شماره ۱: ضریب پایایی عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه به نزاع دسته جمعی بر اساس آلفای کرونباخ

نام متغیرها	مقدار آلفای کرونباخ
تمایلات بالقوه به نزاع دسته جمعی	۰٫۸۳۰
اختلاف ملکی	۰٫۸۳۲
اختلاف خانوادگی	۰٫۸۳۴
عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی	۰٫۸۳۴
تفاوت‌های قومی و قبیله‌ای	۰٫۸۳۰
عوامل فرهنگی و تاریخی	۰٫۸۲۲

یافته‌های تحقیق

برای آزمون فرضیه‌های اصلی تحقیق با توجه به سطح و نوع مقیاس از ضریب پیرسون استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۲) آورده شده است.

جدول شماره ۲: ضریب همبستگی بین عوامل مؤثر بر تمایل بالقوه به نزاع دسته جمعی

ردیف	متغیر مستقل	گزینه‌های آماری	متغیر وابسته (تمایل بالقوه به نزاع دسته جمعی)
۱	اختلاف ملکی	ضریب پیرسون	۰/۳۸۰
		سطح معناداری	۰۰۰
۲	اختلاف خانوادگی	ضریب پیرسون	۰/۴۵۲
		سطح معناداری	۰۰۰
۳	عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی	ضریب پیرسون	۰/۴۲۹
		سطح معناداری	۰۰۰
۴	تفاوت قومی و قبیله‌ای	ضریب پیرسون	۰/۲۰۴
		سطح معناداری	۰۰۰
۵	عوامل فرهنگی و تاریخی	ضریب پیرسون	۰/۲۲۹
		سطح معناداری	۰۰۰

با توجه به اینکه سطح معناداری بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته کوچک‌تر ۰/۰۵ است در تمام موارد با توجه به جدول فوق فرض پژوهشی (H1) به تایید می‌رسد. این بدین معناست که بین متغیر اختلاف ملکی، اختلاف خانوادگی، عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی، تفاوت قومی و قبیله‌ای و عوامل فرهنگی و تاریخی با متغیر تمایل بالقوه به نزاع دسته‌جمعی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره ۳: ضرایب حاصل از تحلیل رگرسیون گام به گام

گام‌های رگرسیون	شاخص آماری / متغیرها	B	خطای معیار	BETA	T	سطح معناداری
۱	ضریب ثابت	۱/۲۱۶	۰/۲۱۱		۵/۷۵۴	۰/۰۰۰
	اختلاف خانوادگی	۰/۵۰۰	۰/۰۸۴	۰/۴۵۲	۵/۹۶۰	۰/۰۰۰
۲	ضریب ثابت	۰/۸۳۷	۰/۲۱۹		۳/۸۲۸	۰/۰۰۰
	اختلاف خانوادگی	۰/۴۳۹	۰/۰۸۱	۰/۳۹۸	۰/۳۹۸	۰/۰۰۰
	اختلاف ملکی	۰/۲۲۲	۰/۰۵۲	-۰/۳۰۸	۴/۲۲۶	۰/۰۰۰
۳	ضریب ثابت	۰/۶۵۸	۰/۲۱۹		۳/۰۰۶	۰/۰۰۳
	اختلاف خانوادگی	۰/۳۲۷	۰/۰۸۵	۰/۲۹۶	۳/۸۳۷	۰/۰۰۰
	اختلاف ملکی	۰/۲۰۰	۰/۰۵۱	۰/۲۷۸	۳/۹۱۲	۰/۰۰۰
	عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی	۰/۲۰۲	۰/۰۶۲	۰/۲۴۹	۳/۲۲۷	۰/۰۰۲

همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، تی‌های محاسبه‌شده به لحاظ آماری همگی معنادار هستند. لذا رابطه متغیرهای اختلاف خانوادگی (در سطح ۹۹ درصد) در گام اول و اختلاف خانوادگی و اختلاف ملکی (در سطح ۹۹ درصد) در گام دوم و همچنین اختلاف خانوادگی و ملکی و عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی (در سطح ۹۵ درصد) با متغیر وابسته تحقیق رابطه معناداری دارند و بیشترین تأثیر را بر تمایل بالقوه به نزاع دسته‌جمعی دارند.

جدول شماره ۴: خلاصه تحلیل واریانس گام‌به‌گام بر حسب متغیرهای واردشده

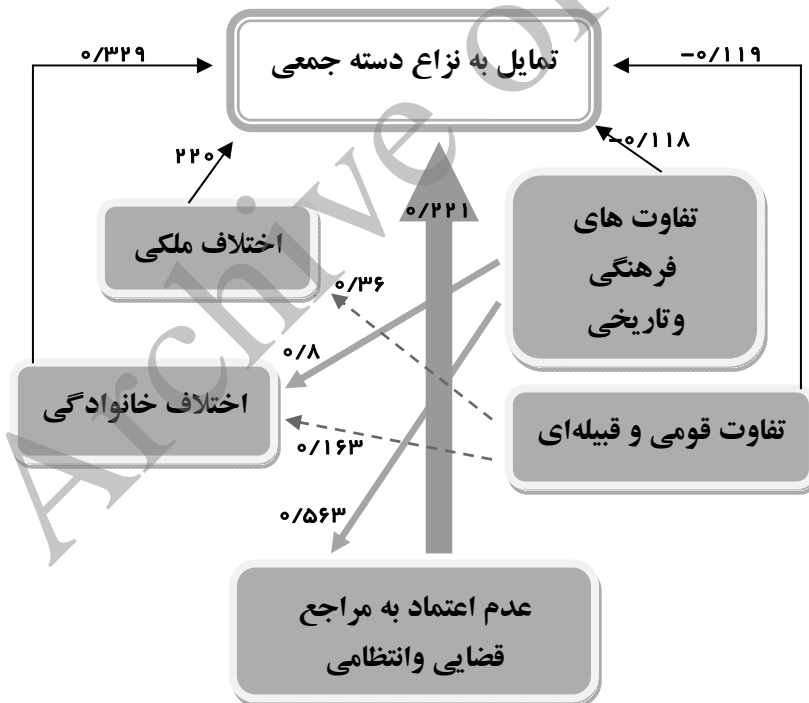
سطح معناداری	نسبت F	میانگین مجزورات	درجه آزادی	مجموع مجزورات	منابع تغییرات	شاخص‌های آماری متغیرها	گام‌های رگرسیون
000/0 a	۳۵/۵۲۳	۱۴/۱۸۸ ۰/۳۹۹	۱ ۱۳۸ ۱۳۹	۱۴/۱۸۸ ۵۵/۱۸۸ ۶۹/۳۰۷	رگرسیون باقیمانده جمع کل	اختلاف خانوادگی	۱
000/0 b	۲۸/۸۵۹	۱۰/۲۷۲ ۰/۳۵۶	۲ ۱۳۷ ۱۳۹	۲۰/۵۴۴ ۴۸/۷۶۳ ۶۹/۳۰۷	رگرسیون باقیمانده جمع کل	اختلاف ملکی	۲
000/0 c	۲۴/۰۳۱	۸/۰۰۴ ۰/۳۳۳	۳ ۱۳۶ ۱۳۹	۲۴/۰۱۱ ۴۵/۲۹۵ ۶۹/۳۰۷	رگرسیون باقیمانده جمع کل	عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی	۳

تحلیل مسیر مدل نظری تحقیق

در حوزه مطالعات اجتماعی و اقتصادی روش‌های تحلیل چند متغیره زیادی وجود دارند که به بررسی آثار و روابط بین متغیرهای مورد مطالعه می‌پردازند. این روش‌ها عمدتاً آثار مستقیم یک متغیر را بر متغیر دیگر مورد بررسی قرار می‌دهند. اما در این میان، تحلیل مسیر از جمله تکنیک‌های چندمتغیره است که علاوه بر بررسی آثار مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، آثار غیرمستقیم این متغیرها را نیز مدنظر قرار می‌دهد و روابط بین متغیرها را مطابق با واقعیت‌های موجود در تحلیل وارد می‌کند.

دیاگرام تحلیل مسیر ارائه‌شده، بیان‌کننده آن است که متغیرهای اختلاف ملکی، اختلاف خانوادگی، عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی، عوامل فرهنگی و تاریخی به‌طور مستقیم و بی‌واسطه بر تمایلات بالقوه به نزاع‌های دسته‌جمعی تأثیر می‌گذارد. و متغیر تفاوت قومی و قبیله‌ای نیز به‌طور معکوس بر تمایلات بالقوه نزاع دسته‌جمعی اثرگذار است.

در بعد آثار غیرمستقیم، دیاگرام تحلیل مسیر عوامل فرهنگی و تاریخی از طریق متغیرهای عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی و متغیر اختلاف خانوادگی بر نزاع دسته‌جمعی تأثیر دارد و متغیر تفاوت قومی و قبیله‌ای از طریق متغیر اختلاف خانوادگی و اختلاف ملکی تأثیر خود را بر متغیر وابسته می‌گذارد. در ضمن میزان تبیین‌گری مدل با توجه به متغیرهای مفروض در این تحقیق $R^2 = 0.364$ است.



نمودار ۲: تحلیل مسیر مدل عوامل مؤثر بر تمایلات بالقوه به نزاع دسته‌جمعی

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

*بین اختلافات ملکی و گرایش به نزاع دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده رابطه وجود دارد.

وجود رابطه بین اختلافات ملکی و ارضی و نزاع دسته‌جمعی بر اساس نتایج آزمون‌ها به تأیید رسیده است. وابستگی به یک شیء و هراس ناشی از دست دادن آن همواره افراد را به درپیش گرفتن رفتار خصمانه نسبت به رقیب و افراد دیگر سوق می‌دهد. زمین در طول تاریخ، ممر حیات و کارکردی تولیدی برای جوامع روستایی داشته است. در عصر حاضر و با توجه به صنعتی‌شدن جوامع و پس از یک دوره فترت ناشی از کوچ افراد به شهرها و بازگشت و رجوع دوباره شهرنشینان به روستاها جهت ایجاد گذران بی‌دغدغه زندگی فارغ از مسائل شهری، زمین‌های روستاها کارکردی مالی نیز پیدا کرده است. از همین رو افراد سعی می‌کنند هرچه بیشتر اراضی خود را توسعه دهند و با توجه به نبود اسناد معتبر و رسمی، گاه این عامل منشأ اختلافات و نزاع‌ها قرار می‌گیرد.

کمبود مراتع و چراگاه‌های مناسب برای تغذیه دام‌ها، خشکسالی‌های پایبی، کمبود آب و زمین‌های حاصل خیز و نبود قوانین مدون مشخص - عمدتاً قوانین به شکل شفاهی و تاریخی است - بیکاری جوانان روستا و وابستگی شدید جوامع روستایی به خاک و مرتع و فزون‌طلبی فطری آدمیان همیشه بستر خشونت و نزاع را فراهم می‌کند.

با توجه به اینکه عمده این نزاع‌ها به خاطر شفاف و روشن نبودن حدود و ثغور زمین‌های کشاورزی و مسکونی و مراتع و چراگاه و سهم آب زارعی پیشنهاد می‌شود:

۱- مسئولان (قوه مقننه و سازمان‌های دولتی نظیر منابع طبیعی، جهاد کشاورزی و سازمان ثبت اسناد) می‌بایست در سنددار کردن اراضی روستا تلاش بیشتری کنند.

۲- با تنظیم قوانین مدون و با رویکرد تقویت‌بخش تولید و افزایش قدرت مالی روستاییان، تکلیف تمامی اراضی بلا تکلیف و دارای معارض را مشخص سازند.

۳- همچنین نسبت به توزیع عادلانه زمین‌های زراعی و منابع آبی بین نسخ‌داران اقدام عملی و جدی صورت گیرد.

۴- از چراگاه‌های دامی نیز با توجه به سهم گله‌داران و میزان تولید و تلاش آن‌ها برای حفظ مراتع به عنوان میراث نسل‌های آینده و حفظ و گسترش بنیه اقتصاد روستایی، مراقبت شود.

۵- ترویج فرهنگ استفاده مشترک از منابع طبیعی با حفظ و نگهداشت آن‌ها و تقویت حس مسئولیت تاریخی نسبت به نسل‌های آینده.

* بین اختلافات خانوادگی و گرایش به نزاع دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده رابطه وجود دارد.

بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده، اختلافات خانوادگی با بروز نزاع جمعی رابطه دارند. چنان‌که بیان شد، در جوامع روستایی، فرد در درون نهاد خانواده و خانواده در جمع بزرگ‌تری به نام عشیره یا طایفه و قوم، هویت می‌یابد. بنابراین ارزش‌ها و نظارت‌های قومی تا حدود زیادی نقش کنترلی بر فرد را دارد و افراد باید خود را با فرهنگ و ارزش‌های جامعه محلی خویش تطبیق دهند و نسبت به پاس‌داشت جامعه خویش از هیچ کاری فروگذار نباشند. بنابراین گاه این روح جمعی، هویت فردی افراد را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و آن‌ها را علی‌رغم میل باطنی‌شان به کارهای غیرعقلانی وامی‌دارد.

دورکیم (۱۳۸۷) معتقد است این روح جمعی است که اصالت دارد نه فردیت. کنش افراد خصوصاً مواقعی که مشکل جمعی بروز کند معلول خواست‌ها، نیازها و تصمیمات عقلانی مشخص نیست بلکه وجدان جمعی و روح همبستگی است که فرد را به دنبال فرد می‌کشد. این فرآیند موقعی تشدید می‌شود که محرک یا موضوع عمل از بار احساسی و عاطفی بیشتری برخوردار باشد.

بر این اساس پیشنهاد می‌شود:

۱- برای کاستن از نزاع‌های جمعی که خاستگاه عصبیت قومی و قبیله‌ای دارند، بهترین سازوکار، فرهنگ‌سازی است. آموزه‌های مذهبی بهترین جایگزین عصبیت‌های کور سنتی و ارزش‌های جاهلانه است.

۲- آگاه‌سازی اقشار تأثیرگذار و صاحب‌نفوذ نظیر روحانیون، معلمان، افراد صاحب‌منصب و ریش‌سفیدان به این مهم می‌تواند بسترهای مهندسی فرهنگی را در روستاها به‌وجود آورد.

۳- صدا و سیما با تولید برنامه‌های رادیویی و نمایشی متناسب با محیط فرهنگی و محلی، و با کالبدشکافی ارزش‌های حاکم بر جوامع روستایی نسبت به نقد آن‌ها و ارزش‌آفرینی در قالب آموزه‌های کلان و راهبردی نظام اسلامی اقدام کند.

۴- برگزاری نشست‌های ویژه و مداوم توسط رؤسای کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها در راستای بصیرت‌بخشی به مردم برای پرهیز از درگیری و استفاده از تمام ظرفیت‌های قانونی.

۵- دعوت از صاحب‌نظران و کارشناسان آگاه و خبره در مسائل اجتماعی منطقه (روان‌شناسان و جامعه‌شناسان و مدیران قضایی و انتظامی).

۶- بر حذر داشتن و آگاه‌سازی خانواده‌های روستایی در ازدواج‌های ناخواسته و اجباری جوانان که در برخی گزارش‌های رسیده زمینه‌ایجاد درگیری فامیلی و تنش‌های طایفه‌ای شده است.

۷- عدم برخورد انفعالی با معضلات اجتماعی حوزه استحفاظی؛ فعال کردن واحدهای مددکاری اجتماعی کلانتری‌ها با شناسایی بیشتر پسماندهای اجتماعی و ارائه راهکارهای عملی با توجه به بافت فرهنگی، آداب و سنن، ارزش‌های جامعه و ...

۸- توزیع لوح‌های فشرده آموزشی با محتوای مشارکت‌های اجتماعی و مشاوره‌های خانواده و ازدواج و به نحوی، کنترل خشم و استرس و مهارت‌های حل مسائل خانوادگی و ...

*** بین عدم اعتماد به مراجع قضایی و انتظامی و گرایش به نزاع دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده رابطه وجود دارد.**

نتایج مربوط به این فرضیه یافته‌های تحقیقات مشابه (عربی، ۱۳۸۴؛ مولن، ۲۰۰۴؛ جانس، ۲۰۰۴) را مورد تأیید قرار می‌دهد.

نظام‌های حقوقی هر جامعه نظام هنجاری آن است. هنجارها زمینه تحقق ارزش‌های جامعه را ایجاد می‌کنند. هر نظام اجتماعی برای حفظ تداوم حیات خویش نیازمند

۱- حفظ انسجام و همبستگی اجتماعی و ۲- ایجاد همبستگی و حل منازعه به

موجب مکانیزم‌های هنجاری و حقوقی است (بشیریه، ۱۳۷۴). برای رسیدن به این مرحله می‌بایست فرآیند جامعه‌پذیری به‌درستی مراحل خود را طی کرده باشد تا افراد ضمن کسب آموزش، به‌نحوی تعامل اجتماعی در موضوعات اجتماعی، مهارت زندگی و تعامل سازنده در چارچوب ساختارهای حاکم بر جامعه را آموخته باشند.

جامعه‌پذیری یک نوع هم‌نوایی داوطلبانه و اختیاری است؛ چنانچه هم‌نوایی به‌طور اختیاری صورت نگیرد، سازوکارهای کنترل اجتماعی برای انتقال و تحمیل اجرای هنجارها و انتظارات اجتماعی به‌کار می‌روند، و در صورتی که این سازوکارها عملی نشود، کجروی‌ها و هنجارشکنی در جامعه به‌وجود می‌آید (ستوده، ۱۳۸۰). واقعیت آن است که کارکرد صحیح، عادلانه و به‌موقع نهادهای متولی امور قضا و مراکز انتظامی در اعتماد مردم به مسیر حل مسائل فی‌مابین در چارچوب قانون را در پی دارد و این باعث ایجاد روح همبستگی در جوامع روستایی می‌شود و باعث می‌شود تا افراد مطالبات خود را در قالب قوانین و از طریق مراجع قانونی آن پیگیری کنند. با توجه به مطالب پیش گفته پیشنهاد‌های زیر ارائه می‌شود:

۱- اولویت بخشیدن در رسیدگی به پرونده‌های مربوط به نزاع‌های دسته‌جمعی (در کمترین زمان و صدور آرای عادلانه) که می‌تواند اعتماد افراد را به نتیجه‌بخش بودن مسیرهای قانونی جلب کند.

۲- حضور به‌موقع و سریع پلیس در صحنه‌های درگیری با تجهیزات و نفرات کافی.

۳- آگاهی مأموران از مسائل و معضلات مهم بین افراد و طایفه که امکان و بستر نزاع را می‌تواند ایجاد کند و ارائه طرح‌های مقابله با آن‌ها از طریق تماس رودررو با ذی‌نفعان و ترغیب آن‌ها به صلح و آشتی یا پیگیری مطالبات خود از طریق قانونی.

۴- آشناکردن فرماندهان و رؤسای کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها قبل از ورود به محل مأموریتی جدید و حوزه استحفاظی.

۵- مطلع کردن قضات و مسئولان قضایی و حساس کردن آن‌ها نسبت به موضوع‌های نزاع‌برانگیز در حوزه استحفاظی.

۶- برخورد عادلانه و بدون سوگیری با طرفین نزاع و درگیر و پرهیز از مواضع اتهام‌برانگیز و حفظ بی‌طرفی نسبت به طرفین درگیر.

* بین تفاوت‌های قومی و قبیله‌ای و گرایش به نزاع دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده رابطه وجود دارد.

آزمون پیرسون وجود همبستگی را بین تفاوت‌های قومی و قبیله‌ای تأیید می‌کند لیکن با توجه به بافت جامعه آماری، تفاوت فاحشی در زمینه زبان، نژاد، دین و مذهب متصور نیست و به نظر، عمده تفاوت‌ها ناشی از تکثر فامیلی و طایفه‌ای است. بنابراین جزء متغیرهای حذف‌شده از گام‌های رگرسیون می‌باشد.

هر فرهنگی دارای ارزش‌هایی است که طی سالیان دراز انسجام و قوام یافته است و ویژگی‌های خاصی را نیز داراست، به‌خصوص خرده‌فرهنگ‌هایی که در بعد کوچکی می‌تواند نمایانگر مظاهر فرهنگی، مکانی، قومی، طبقه‌ای و... خاص باشد (اتکینسون و همکاران، ۱۳۹۰: ۲) پس اقوام مختلف دارای روحيات متفاوت می‌باشند که یکی از آن‌ها ستیزه‌جویی و نزاع‌جمعی است و گرایش آن‌ها به نزاع متفاوت است و عوامل مختلف فرهنگی، اجتماعی، روانی، زیستی، محیط طبیعی و... می‌تواند دخیل باشد (کلواری و بحرینی، ۱۳۸۹).

برای ایجاد و تقویت روح تعاون و همکاری و گاه حل معضلات و نزاع‌های فامیلی، ازدواج بین طایفه و اقوام به عنوان یک سازوکار طی قرن‌ها به عنوان عامل استحکام‌بخش روابط اجتماعی در جامعه روستایی و سنتی بوده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود:

۱- مسئولان فرهنگی نسبت به تقویت سنت حسنه ازدواج برون‌فامیلی که کارکردهای اجتماعی و انتظامی زیادی دارد اهتمام بورزند. البته ازدواج نه بر مبنای اکراه و مصالح قومی بلکه آگاهانه و عاشقانه و بر مدار مهر و محبت.

۲- حتی‌المقدور فرماندهان و مأموران انتظامی نسبت به حل اختلاف از طریق سنت دیرین ریش‌سفیدی و حکمیت فامیلی اقدام کند، و کمتر موضوع‌ها را حقوقی کنند.

۳- شناسایی و احترام به سنت‌های محلی خوب و کارآمد و افراد صاحب‌نفوذ و ریش‌سفیدان و افراد مورد وثوق و معتمد.

۴- تقویت روح همبستگی ملی و مذهبی به‌جای تعصبات کور فامیلی از طریق تولید برنامه‌های نمایشی و رادیویی صدا و سیما و آموزش و پرورش.

۵- برگزاری مسابقات ورزشی و اردوهای دسته‌جمعی و ایجاد تعاونی‌های مشترک بین روستاییان با قومیت‌های مختلف، می‌تواند بستر یک رقابت سالم و نافع را به‌وجود آورد که این امر باید از وزارت آموزش و پرورش، سازمان ورزش و جوانان و وزارت کار و تعاون پیگیری شود.

۶- در جلسات شورای تأمین شهرستان باید به‌عنوان یک دستور کار مهم نسبت به اجرایی کردن فعالیت‌های نمادین مانند برگزاری جشن‌های ملی و مذهبی تأکید بیشتری شود و پیگیری‌های لازم صورت پذیرد.

*** بین عوامل فرهنگی و تاریخی و گرایش به نزاع دسته‌جمعی در شهرستان خدابنده رابطه وجود دارد.**

خاستگاه تفاوت‌های فرهنگی را می‌توان در باورهای ارزشی و مذهب و همچنین نوع معیشت و اقتصاد و سطح آموزش‌ها جست‌وجو کرد، لیکن محیط تحقیق به دلیل اینکه از یک قوم و مذهب و با زبان رسمی است تفاوت‌های فرهنگی به نوعی کنترل شده است. نتایج رگرسیون نیز گویای این امر است. هر چند آزمون همبستگی پیرسون وجود یک رابطه هر چند ضعیف را تأیید می‌کند. بنابر این، پیشنهاد می‌شود:

۱- استفاده از مأموران انتظامی آشنا به فرهنگ و زبان و حساسیت‌های فرهنگی و تاریخی حوزه استحفاظی.

۲- تأکید برنامه‌سازان صدا و سیما استان بر مشترکات اقوام.

۳- تقویت فرهنگ همکاری و دوستی بین اقوام از طریق تبلیغات و برنامه‌های آموزشی مدارس.

۴- آشنا کردن مردم به ظرایف فرهنگی و تاریخی دیگر اقوام.

۵- ایجاد وحدت هویتی در قالب نام ایران برای نسل جوان.

۶- شناخت گسل‌های فرهنگی اقوام و سعی در استحکام‌بخشی و تبلیغ رسوم و آداب وحدت‌بخش.

منابع

- اتکینسون، ریتا و همکاران (۱۳۹۰). زمینه روانشناسی هیلگارد، ترجمه نصرت‌اله پورافکاری، تهران: شهراب.
- الیاسی، محمدحسین (۱۳۸۶). «بررسی رابطه احساس امنیت شهروندان تهرانی و منزلت اجتماعی پلیس تهران»، فصلنامه تخصصی دانشکده علوم مرزی و انتظامی، سال دوم، شماره اول.
- بشیری، حسین (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: نشر نی.
- پارتوس، اتومار جی. و وور پائول (۱۳۹۱). کاربرد نظریه کشمکش، ترجمه علی کاظمی، تهران: نشر زیتون سبز.
- چلبی، مسعود و عبداللهی، محمد (۱۳۷۲). «طرح تحقیقی توصیف و تعیین جامعه‌شناختی نزاع‌های جمعی در استان لرستان»، طرح پژوهشی استانداری استان لرستان، نشر استانداری استان لرستان.
- درستی، مجید (۱۳۸۸). «عوامل منازعه در شهرستان بویراحمد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز.
- دورکیم، امیل (۱۳۸۷). قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رضائیان، علی (۱۳۸۹). «تحلیل جامعه‌شناختی نزاع جمعی در شهرستان دلفان»، دلفان: دانشگاه پیام نور.
- ستوده، هدایت... (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور.
- صدیق سروستانی، رحمت‌اله (۱۳۸۵). آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آن.
- عربی، فرانک (۱۳۸۴). «بررسی امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان ۸ شهر»، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، جلد ۳، سال پنجم، شماره ۲۳ و ۲۴.
- کلواری، نورالله و بحرینی، مجید (۱۳۸۹). «مطالعه رابطه عوامل فرهنگی اجتماعی با نزاع‌های دسته‌جمعی، قومی و قبیله‌ای در شهرستان لرستان»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۲.

- میرفردی، اصغر و همکاران (۱۳۹۰). «میزان گرایش به نزاع جمعی در میان مردان ۱۵ تا ۶۵ سال شهرستان بویراحمد و عوامل مؤثر بر آن»، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، ش ۲۵.

- ناییبی، هوشنگ و جسور خواجه، تقی (۱۳۸۸). «ریشه‌یابی نزاع‌های دسته‌جمعی (روستاهای کوچ و افشرد آذربایجان شرقی)»، مجله توسعه روستایی، دوره اول، شماره ۱.

-Abubakar, D. (2001). Ethnic Identity, Democratization, and the Future of the African State: Lessons from Nigeria. *African Issues*, 31-36.

-Archer, J. (1988). *The Behavioural Biology of Aggression*. Cambridge University Press. New York.

-Baumeister, R.F., Smart, L. & Boden, J.M. (1996). Relation of threatened egotism to violence and aggression: the dark side of high self-esteem. *Psychol. Rev.* 103: 5-33.

-Goldstein, A.P., B. Glick, W. Carthan et al. (1994). *The Prosocial Gang: Implementing Aggression Replacement Training*. Sage. Thousand Oaks, CA. p.13.

-Lien, I.-L. (2001). The concept of honor, conflict and violent behavior among the youths of Oslo. In *The Eurogang Paradox: Street Gangs and Youth Groups in the U.S. and Europe*. M.W. Klein et al., Eds.: 165-174. Kluwer. Dordrecht.

-Miller, W.B. (1968). Lower-class culture as a generating milieu of gang delinquency. In *Gang Delinquency and Delinquent Subcultures*. J.F. Short, Ed.: 135-156. Harper and Row. New York.

-Rummel J., Rudolph (1997). "Is Collective Violence Correlated with Social Pluralism," *Journal of Peace Research*, Vol. 34, No.2, p. 163-175.

-Short, J.F. & Strodtbeck F.L. (1968). Why gangs fight. In *Gang Delinquency and Delinquent Subcultures*. J. F. Short, Ed.: 246-255. Harper and Row. New York. (p.247)

-Smith, M.G. (1991). *Pluralism, Politics & Ideology in the Creole Caribbean*. New York: Research Institute for Analysis II. Paper. Np: 18 Novamner.

-Smith, Z.K. (2000). The Impact of Political Liberalization and Democratization on Ethnic Conflict in Africa: An Empirical Test of Common Assumptions. *The Journal of Modern African Studies*, 21-39.

-Spergel, I.A., Ross, R.E., Curry, G.D., et al. (1989). *Youth Gangs: Problem and Response*. Office of Juvenile Justice and Delinquency Prevention. Washington DC.

-Tong, Rebecca (2009) "Explaining Ethnic Peace: The Importance of Institution," *Res Publica – Journal of Undergraduate Research*: Vol.14, p. 73.

- Vanhanen, T. (1999). Domestic Ethnic Conflict and Ethnic Nepotism: A Comparative Analysis. *Journal of Peace Research*, 55-73.
- Vigil, J.D.(1988). *Barrio Gangs: Street Life and Identity in Southern California*. University of Texas Press. Austin. p. 131.
- Wrangham, Richard W. & Wilson, Michael L. (2004). Collective Violence. *Annals New York Academy Of Sciences*. 1036: 233–256.

Archive of SID